



دوره ۶ - شماره ۱۴ - بهار ۱۴۰۲

اقدامات نهادهای بین المللی و حمایت از حقوق کودکان در شرایط ناشی از همه گیری کووید ۱۹

مصطفی فضالی، سکینه رضایی

عوامل خشونت در خانواده از منظر قرآن

علی محمدی جورکویه

تأمین مالی داوری بین المللی توسط شخص ثالث

محمد مهدی اسدی

مطالعه تطبیقی رویکرد فقه اسلامی و حقوق بشردوستانه در حمایت از حقوق کودکان در جنگ

میثم نوروزی، مهدی اسکندری خوشگو، ساناز ابوالقاسمی

چالش های جایگزین تعقیب کیفری در ایران و ایالات متحده آمریکا

امین امیریان فارسانی

اصول و قواعد حاکم بر معاملات بورس اوراق بهادار

سیدعلی قائم منش

بررسی اختلاف حقوق مسلمان و کافر با مسئله کرامت انسانی

شقایق عامریان، محمدرضا کیخا

تاملی در سیاست جنایی و تقنینی ایران در قبال تشهیر متهمان با نگاهی بر فقه و اسناد بین المللی

علی پایدارفرد، جواد نادری عوج بغزی، احمدرضا امتحانی

گذری بر مالکیت اموال غیرمادی غیرفکری در حقوق ایران

مریم طاهری سرتشنیزی

بازکاوی مبانی فقهی ایقاع یا عقد بودن ابراء در فقه مذاهب اسلامی

مرتضی رحیمی، علی محمودی کاکونی

سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال نقض حقوق شهروندی توسط پلیس سایبری

محمد خورشیدی اطهر

نقد و ارزیابی سیاست جنایی کنشی (پیشگیرانه) از فساد اداری در نظام کیفری ایران

رستم علی اکبری، سعید احمدی، ایرج مروتی، بهنام کریمی

سیاست کیفری افتراقی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی

یاسر شاکری



A Comparative Study of the Approach of Islamic Jurisprudence and Humanitarian Law in Supporting the Rights of Children in War

Meisam Norouzi

Assistant Prof in Public of International Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran (Corresponding Author)

Mehdi Eskandari Khoshgou

Master's Student of International Law, Institute of Construction and Development, Iran, Hamedan

Sanaz Abolghasemi

Ph.D. Student, Department of Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Hamadan Branch, Hamadan, Iran

مطالعه تطبیقی رویکرد فقه اسلامی و حقوق بشردوستانه در حمایت از حقوق کودکان در جنگ

میثم نوروزی

استادیار حقوق بین الملل عمومی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

m.norouzi@basu.ac.ir
<http://orcid.org/0000-0001-7742-3480>

مهدی اسکندری خوشگو

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، مؤسسه عمران و توسعه همدان، همدان، ایران

mehd1380skan@gmail.com

ساناز ابوالقاسمی

دانشجوی دکتری گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران
sanazabolghasemi2019@gmail.com

Abstract

Children are the most vulnerable group in human societies, especially in wars, which reduce the level of safety and security to its lowest level and expose them to any kind of risk. Unfortunately, we witness that many children's rights, including the right to life, the right to health, and the right to food, are subject to being lost due to the internal and external wars that have taken place in the world. Therefore, all children of armed conflict and war should be given special respect and protection. In terms of international law, all children of armed conflicts benefit from the protections determined in the international human rights system and the general and specific provisions foreseen for non-humanitarian people. From the point of view of jurisprudence sources, including the Holy Qur'an and the life of the Prophet (PBUH) and the infallible imams (PBUH), the rights of civilians, especially children in war, have always been recognized in Islam, and the verses in the Qur'an and the practices and sayings of the Prophet (PBUH) And Masoomin (pbuh) is a proof of this claim. The current study examines the protection of the rights of children in war from the perspective of Islamic jurisprudence and humanitarian rights. It is a human hypothesis that Islamic jurisprudence and friendly law are very similar in supporting the rights of children in wars.

Keywords: War, Humanitarian Rights, Children's Rights, Protection, Islamic Jurisprudence.

چکیده

کودکان آسیب پذیرترین گروه در جوامع انسانی هستند، علی الخصوص در جنگ‌ها که درجه ایمنی و امنیت به پایین ترین مقدار خود می‌رسد و آن‌ها را در معرض هرگونه مخاطره‌ای قرار می‌دهد. متأسفانه امروزه شاهد این هستیم که بسیاری از حقوق کودکان از جمله حق بر حیات، حق بر سلامت، حق بر غذا، به علت جنگ‌های داخلی و خارجی که در سطح جهان به وقوع پیوسته، در معرض زائل شدن است. بنابراین تمامی کودکان در درگیری‌های مسلحانه و جنگ‌ها باید مورد احترام و حمایت ویژه‌ای واقع شوند. از منظر حقوق بین الملل همه کودکان در درگیری‌های مسلحانه از حمایت‌های تعیین شده در نظام حقوق بین الملل و تأمینات کلی و خاص پیش بین شده از افراد غیرنظامی در حقوق بشردوستانه بهره‌مند هستند. از دیدگاه منابع فقه اسلامی از جمله قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع)، همواره حقوق غیرنظامیان به‌ویژه کودکان در جنگ به رسمیت شناخته شده است و آیه‌های متعددی در قرآن، روایات، گفتارهای پیامبر (ص) و معصومین (ع) موبدی بر این ادعاست. پژوهش حاضر مقوله حمایت از حقوق کودکان در جنگ‌ها را از دیدگاه فقه اسلامی و حقوق بشردوستانه مورد بررسی قرار می‌دهد. فرضیه آن است که رویکرد فقه اسلامی و حقوق بشردوستانه در حوزه حمایت از حقوق کودکان در جنگ‌ها، شباهت بسیار زیادی دارند.

واژگان کلیدی: جنگ، حقوق بشردوستانه، حقوق کودکان، حمایت، فقه اسلامی.

Received: 2022/12/30 - Review: 2023/04/16 - Accepted: 2023/05/25

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۰۴

ارجاع:

نوروزی، میثم؛ اسکندری خوشگو، مهدی؛ ابوالقاسمی، ساناز؛ (۱۴۰۲)، مطالعه تطبیقی رویکرد فقه اسلامی و حقوق بشردوستانه در حمایت از حقوق کودکان در جنگ، تمدن حقوقی، شماره ۱۴.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه تاریخی‌ترین و قدیمی‌ترین بخش حقوق بین‌الملل است. بنابراین شکل‌گیری آن به صورت امروزی متأثر از وقایع و رویدادهای تاریخی است. به دنبال پیدایش جوامع اولیه و شکل‌گیری روابط دوستانه میان آن‌ها، روابط خصمانه نیز به دلیل تبعیض و بی‌عدالتی و استقلال طلبی ملت‌ها موجودیت پیدا کرد (فقیه حبیبی، ۱۳۹۵، ۸۹). جنگ بارزترین نمونه روابط خصمانه است. قواعد و مقررات انسان دوستانه در ابتدایی‌ترین جنگ‌ها، البته نه به شکل امروزی آن، رعایت می‌شده است. برای مثال در یونان و ایران باستان مقرراتی راجع به رفتار با اسیران جنگی و احترام به آن‌ها، ایمنی غیررزمندگان، تکریم تسلیم شدگان، حرمت اماکن مقدس و... دیده می‌شود (کاظم زاده، ۱۳۹۱). پابندی به قواعد و التزام به رفتار انسان دوستانه و رعایت آن‌ها در زمان درگیری‌های مسلحانه، برخواسته و نشئت گرفته از تمدن‌ها، فرهنگ‌ها، عقاید و مذاهب ملل مختلف جهان است (فقیه حبیبی، ۱۳۹۵، ۹۴). به یقین می‌توان گفت که در این زمینه، بیشترین قوانین و مقررات مشترک میان ملت‌ها وجود دارد و این مسئله سبب رعایت قواعد و مقررات انسان دوستانه در هنگام مخاصمات مسلحانه می‌گردد (نیری و متولی، ۱۳۹۰، ۳۲).

در اسناد بین‌المللی نیز به حقوق کودکان در زمان مخاصمات مسلحانه توجه شده است. در ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک از دولت‌ها درخواست شده است تا از کودکان متأثر از درگیری‌های مسلحانه حمایت و مراقبت به عمل آورند، امری که ماده ۲۲ منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک نیز بر آن تأکید می‌ورزد. قطعه‌نامه‌های شماره ۱۱۸۱، ۱۲۹۶ و ۱۳۱۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد و قطعه‌نامه‌های شماره ۴۸/۱۵۷ و ۵۵/۱۱۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد درگیری‌های خاص مانند سیرالئون و سودان از جمله موارد و مصادیق مطالبه حمایت از

کودکان به شمار می‌آید. قطعنامه شماره ۱۲۶۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۹۹ صادر شده است، از طرفین درگیری مسلحانه می‌خواهد تا در خلال درگیری‌های مسلحانه کلیه اقدامات ممکن را برای تخفیف آلامی که کودکان از آن رنج می‌برند، به عمل آورند. براساس بند اول ماده ۷۸ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ نیز هیچ‌یک از طرفین خصمه، انتقال کودکان به جز اتباع خود را به یک کشور خارجی ترتیب نخواهند داد؛ مگر در صورت انتقال موقتی به دلایل اضطراری مربوط به سلامت یا درمان پزشکی کودکان یا به استثنای سرزمین اشغالی، در صورتی که ایمنی آن‌ها ایجاب نماید (موسوی، ۱۳۹۳). در این پژوهش پس از ارائه تعریف کودک، حمایت‌های مقرر در فقه اسلامی و حقوق بشردوستانه از کودکان بررسی خواهد شد.

۱- معیار سنی کودک در اسلام و حقوق بشردوستانه

تعریف کودک در فقه اسلامی، برای شناخت حقوق کودک در طول مبارزات مسلحانه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. کودک یا طفل در فقه به فردی اطلاق می‌شود که به بلوغ شرعی نرسیده است. قرآن کریم در برخی از آیات ۱ به موضوع معیار دوره کودکی و پایان این دوره پرداخته و معیارهای سه‌گانه را برای پایان دوره طفولیت ذکر کرده که عبارت‌اند از: بلوغ الحلم، بلوغ النکاح، بلوغ رشد. با توجه به این معیارها می‌توان گفت که موضوع بلوغ در قرآن کریم با تعییرات مختلفی آمده و سن مشخصی را به‌عنوان سن بلوغ ذکر نکرده و در امر بلوغ هم به رشد جسمی و هم به رشد روحی و عقلانی توجه نموده است. در میان فرق اسلامی، شافعیان و حنابله سن بلوغ را در دختران و پسران پانزده سالگی و مالکیان هفده سال می‌دانند. حنفیان نیز سن بلوغ را برای پسر هجده سال و برای دختر هفده سال ذکر کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ۱۹۵). فقه امامیه اکثراً سن بلوغ را برای پسر پانزده سال و برای دختر نه سال تمام قمری می‌دانند. گرچه برخی متأخرین شیعه بلوغ دختران را سیزده سالگی محقق دانسته‌اند. با این همه سن بلوغ شرعی براساس نظر بیشتر فقها نه سال برای دختران و پانزده سال برای پسران است (سنجایی و رحیمی، ۱۴۰۰: ۶۹۴).

طبق ماده اول کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹: «منظور از کودک، فرد انسانی زیر سن هجده سال است، مگر این که طبق قانون قابل اعمال در دولت‌ها، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.» اما سایر مقررات مربوط به کودکان، چه قراردادی و چه عرفی، معیار سنی کودک را در رابطه با درگیری‌های مسلحانه، پانزده سال ذکر کرده‌اند. با این توضیح که در استخدام افراد بین پانزده سال تا هجده سال، اولویت باید با سن بالاتر

۱- سوره‌های شریفه نور آیه شریفه ۵۹، نساء آیه شریفه ۱۵۲، یوسف آیه شریفه ۲۲، اسراء آیه شریفه ۲۴، کهف آیه شریفه ۸۲، حج آیه شریفه ۵، قصص آیه شریفه ۱۳، نمل آیه شریفه ۶۶، احقاف آیه شریفه ۱۵.

باشد (مدنی، ۱۳۹۳). دیوان کیفری بین‌المللی، سربازگیری کودکان زیر پانزده سال و مشارکت فعال آنان را در درگیری‌های مسلحانه، جنایت جنگی تلقی کرده است (رأی مورخ شانزدهم مارس ۲۰۱۲ در رابطه با محکومیت توماس لوبامگو دیولو)؛ بنابراین در مجموع در حقوق بشردوستانه، اصولاً کودک به اشخاصی گفته می‌شود که کمتر از پانزده سال تمام داشته باشند، مگر در موارد استثنایی از جمله حداقل دوازده سال برای داشتن پلاک (هویت) و هجده سال برای اجرای مجازات اعدام (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰، ۱۲۶).

۲- حمایت از کودکان در جنگ‌ها

۲-۱- از منظر فقه اسلامی

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها بر اختیارات نظامیان در فقه اسلامی، ممنوعیت کاربرد برخی سلاح‌ها و نیز محدودیت استفاده از برخی تاکتیک‌های نظامی است که بر مردم غیرنظامی به‌ویژه کودکان اثرات زیانبار و کشنده‌ای دارد. در فقه اسلامی، کاربرد سلاح‌هایی که علاوه بر نظامیان، مردم بی‌سلاح و بی‌پناه را به کشتن دهد، نهی شده است. تاکتیک‌های نظامی که باعث کشته‌شدن زنان، کودکان و غیرنظامیان شود، ممنوع است (سنجایی و رحیمی، ۱۴۰۰، ۶۹۸). تاکتیک‌های تخریبی و انهدامی از قدیم مورد بحث فقهای اسلامی بوده و به کاربردن این قبیل تاکتیک‌ها را جز در موارد ضروری که مشروحاً مشخص کرده‌اند، جایز ندانسته‌اند (برزنونی، ۱۳۸۲، ۲۲). ممنوعیت انهدام منازل، باغات و دژهای دشمن، بستن آب اردوگاه یا شهر دشمن، گلوله باران قلعه‌هایی که به جز نظامیان دشمن، غیرنظامیان نیز در آنجا حضور دارند، سوزاندن شهر، مزارع و باغ‌ها از جمله مواردی است که در کتب فقهای بزرگوار مورد بحث و ملاحظه قرار گرفته است؛ اما اسلام زمانی ظهور کرد که مصریان، آشوریان، یهودیان و رومیان و... در حین و پس از جنگ رفتار و اعمال زشت و ناپسندی را با کسانی که حتی در جنگ شرکت نداشتند، انجام می‌دادند (طباطبایی، ۱۳۹۸). از جمله آتش زدن و ویران کردن، غارت شهرهای دشمن، زجر و شکنجه زنان و کودکان در برابر چشم خانواده و انظار عمومی را می‌توان نام برد؛ اما با ورود اسلام این اعمال ظالمانه و شنیع ممنوع گردید و کسانی که در جنگ شرکت نداشتند، نه تنها از تعرض و بی‌احترامی در زمان جنگ مصون بودند، بلکه با احترام، محبت و رعایت تمام جوانب انسانی با آن‌ها رفتار می‌شد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰، ۱۴۵).

طبق اصول کلی حقوق بشردوستانه اسلام، دشمنان به‌عنوان انسان‌هایی به حساب می‌آیند که قابلیت هدایت و سوق به سوی حق و حقیقت را دارند و این یک تکلیف است که بین دو دسته افراد؛ یعنی نظامیان و غیرنظامیان در منازعات مسلحانه با هر ماهیت و شکلی تفکیک قائل شد و خصومت فقط بین نیروهای مسلح مجاز است و این نکته به‌صراحت در قرآن کریم اعلام شده است. آنچه امروزه حقوق بشردوستانه نامیده می‌شود و هدفش حفظ جان، مال و حیثیت غیرنظامیان، مجروحان، اسرا و کسانی که در جنگ شرکت نکرده‌اند می‌باشد، از آغاز مورد

توجه اسلام بوده است و دین اسلام این هدف انسانی را به طور جدی مدنظر داشته است. شاید مهم‌ترین مبنای حقوق بشر دوستانه در اسلام این باشد که اگر قرار است جنگ و خشونت رخ دهد، باید عادلانه باشد (علیخانی، ۱۳۸۸، ۴). در آیین آسمانی اسلام است که برای نخستین بار از کودکان و زنان، سالخورده‌گان و سایر افراد آسیب‌پذیر، حمایت صورت گرفته و قرن‌ها بعد در کنوانسیون‌های بین‌المللی، با عنوان حقوق بشر دوستانه این مقررات مورد توجه قرار گرفته است. تردیدی نیست اصول انسانیت و اخلاق دو اصل بنیادین در آموزه‌های دینی است که در همه حال حتی در مخاصمات، رعایت کردن آن‌ها برای همه الزامی و ضروری است. افزون بر این مفهوم، اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و اهداف نظامی و غیر نظامی ریشه در آیات قرآن کریم، سنت، سیره نبوی و رفتار معصومین (ع) دارد (میرمحمدی، ۱۳۸۷، ۷۲).

نهی از کشتن غیرنظامیان در جنگ‌ها همیشه مورد حمایت اسلام بوده است. به طوری که پیامبر اسلام (ص) هرگاه گروهی را برای مراقبت‌های نظامی (سریه) می‌فرستادند، به آن‌ها می‌فرمودند: «پیران فرتوت، زنان و کودکان را نکشید و درختان را جز در صورت ناچاری از بین مبرید». همه بزرگان دینی در جایز نبودن کشتن زنان و کودکان در جنگ متفق‌اند. به خصوص زمانی که آن‌ها در جنگ شرکت ندارند و در چنین حالتی نباید آنان مورد حمله و هدف قرار گیرند و حتی در روایات آمده است که از کشتن کودکان و زنان اگرچه در جنگ هم شرکت نموده‌اند، پرهیز شود مگر در صورت ناچاری. به اجماع فقهای اسلام، زنان و کودکان از تعرض مصون‌اند و مستند فتوای فقیهان، سنت قولی و عملی پیامبر (ص) و جانشینان پس از آن حضرت است. همچنین به نظر بسیاری از مفسران، کشتن کودکان از مصادیق اعتداء و خروج از حد است که در آیه شریفه «۱۹۰» سوره مبارکه بقره نیز از آن نهی شده است. اگر زنان و کودکان سپر قرار گیرند حکم اولی بر حرمت هدف قراردادن آنان است ولی در صورت ضرورت و ناچاری یعنی در صورت وجود درگیری شدید که بیم آن می‌رود که دشمن پیروز شود، در آن صورت تیراندازی به طرف آنان جایز خواهد بود، ولی نباید کسی قصد و نیت کشتن آنان را بنماید. چنانچه ضرورتی نباشد یعنی درگیری شدید نباشد یا رزمندگان دشمن در سنگرها و مکان‌های امن استقرار داشته و در درگیری حضور نداشته باشند، در این صورت نمی‌توان سپر انسانی را هدف قرارداد؛ زیرا اولاً کشتن زنان و کودکان در جنگ ممنوع بوده و ثانیاً کشتن آن‌ها تأثیرگذار در جنگ نیست.

۲-۲- از منظر حقوق بشردوستانه

منشاء بنیادی حقوق بشردوستانه، حقوقی حمایت‌گرانه برای حراست از منزلت و کرامت فطری انسانی در زمان درگیری است. لفظ «حمایت»^۲ باطن حقوق بین‌الملل بشردوستانه است و اقسام تعهدات مشخص شده در اسناد

مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه، با هر لفظ یا گزاره‌ای که آمده باشند، محتوا و ذات بنیادی آن کارها همین حمایت است. حمایت در مفهوم ویژه تر، در ایمن قراردادادن ساکنین غیرنظامی از کنش‌های جنگی است و حاوی تعهدات سلبی یا ایجابی، به مانند یورش نبردن به ساکنین غیرنظامی، نترساندن آن‌ها و ویران نکردن دارایی شان است. مراد از مفهوم حمایت این است که بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی، شغلی، جنسی و نژادی این حمایت مشمول همه افراد بشر است و تمامی کنشگری‌های بشردوستانه‌ای را که قصدشان، محافظت از اجتماع غیرنظامی در برابر آثار زیانبار مخاصمات مسلحانه و کمک در راستای نابودی اثرات آن و کمک به حیات بعدی است، شامل می‌شود. حمایت، مجموعه‌ای از حق‌ها است؛ یعنی حقوقی که اکثریت افراد در هنگام اوقات جنگ و درگیری از آن برخوردارند. حمایت خاص به حمایت از دسته‌های انسانی که در سطح خاص هستند، مثل زنان، کودکان، پناهندگان، روزنامه نگاران، سالخودگان و معلولان انتساب می‌گردد که نوعی حمایت تکمیلی است.

برای کودکان به مانند دیگر غیرنظامیان می‌توان سه گونه حمایت را مورد بحث قرار داد: الف- حمایت فنی: در این حمایت به استفاده از وسایل فنی اشاره می‌شود؛ مانند ساختن پرورشگاه‌ها در راستای استقرار کودکان جدا شده از خانواده در آنجا، جابه‌جایی کودکان به مناطق دور از دسترس دشمن. به علت ذات غیرقابل پیش‌بینی حمله دشمن و مشخص نبودن وسایل مورد استفاده دشمنان یا برتری‌های نظامی، این نوع حمایت ممکن است استفاده زیادی نداشته باشد؛ بنابراین، وجود این نوع از حمایت لازم است، ولی کافی نیست. ب- حمایت نظارتی: بر حسن اجرای مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل‌های آن نظارت می‌کند، به افراد درگیر در مناقشه امدادسانی می‌کند، حقوق بشردوستانه را توسط نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و جمعیت‌های ملی آن و به‌ویژه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ توسعه می‌دهد و بر حسن اجرای مفاد کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ نظارت می‌نماید. این حمایت باعث شده است که بر وضعیت کودکان در درگیری‌های مسلحانه به‌صورت موضوعی بسیار مهم توجه شود، زیرا کمیته حقوق کودک با اخذ تفسیرها از دولت‌های عضو معاهده حقوق کودک و رایزنی با دیگر سازمان‌های خاص به اقدامات قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی دول عضو نظارت می‌نماید و سیاستی که دولت‌ها در راستای محافظت و نگهداری از کودکان در درگیری مسلحانه برعهده گرفته‌اند مورد رسیدگی قرار می‌دهد و به اقدامات پیشگیرانه و احتیاطی آن‌ها اتکاء می‌کند و عرصه را برای نقل و تشریح محتوای کنوانسیون آماده می‌نماید.^۳ پ- حمایت حقوقی: در این نوع از حمایت، در دو روند، یعنی در قالب حمایت خاص از غیرنظامیان در حقوق بشردوستانه

3- <http://www.un.org/humanrights/treaties/bodiesdebase/document/generalcomment.html>.

بین‌المللی از یک سو و از طرف دیگر، در اسناد بین‌المللی که در جهت ترویج و حمایت حقوق انسانی کودکان اعم از زمان صلح و زمان جنگ وجود دارند، حمایت حقوقی از کودکان به چشم می‌خورد.

۳- ممنوعیت استفاده از کودکان به‌عنوان سرباز

۳-۱- از منظر فقه اسلامی

یکی از اصول و قواعدی که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی در ارتباط با رعایت حقوق بشردوستانه توسط اغلب کشور بر آن تأکید و اصرار فراوان شده، این است که شرکت اطفال در جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه ممنوع است. این اصل (منع شرکت اطفال در جنگ) در فرهنگ اسلامی و فقه اسلامی فراتر از آنچه به تصویب گروه‌های طرفدار حقوق بشر و جمعیت‌ها و دولت‌های حامی آن‌ها رسیده، آمده است. در این خصوص روایات متعددی در فقه امامیه آمده است که شرکت اطفال و کودکان در جنگ‌ها را ممنوع کرده‌اند. از جمله این که از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که ایشان جنگ و جهاد را برای کودکان جایز ندانسته و می‌فرمایند: بر بردگان جهاد واجب نیست تا هنگامی که از آن‌ها بی‌نیازی حاصل شود (آزاد شوند) و نیز بر زنان و کودکان جهاد واجب نیست تا زمانی که به حد حلم (تکلیف) نرسند.^۴ این روایت حکایت از آن دارد که در اسلام برای شرکت افراد در جنگ قواعد و مقررات خاصی حاکم بوده است و افراد زمانی می‌توانستند در جنگ شرکت نمایند که به سن تکلیف (پانزده سال) برسند و در غیر این صورت از شرکت آنان در جنگ ممانعت به عمل می‌آمده است. شرکت افراد نابالغ در جنگ مورد نهی شارع اسلام قرار گرفته است. همچنان که ملاحظه می‌گردد این موارد در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ نیز مورد تأکید قرار گرفته و این نشان‌دهنده این است که اسلام منع و نهی از شرکت کودکان را از ابتدا یعنی بیش از هزار و چهارصد سال پیش مدنظر و توجه قرار داده است.

از جمله اصول و قواعدی که رکن اساسی و پایه کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های الحاقی بشردوستانه بین‌المللی را تشکیل می‌دهد، عبارت است از منع کشتار اطفال، زنان و افراد غیرنظامی. تصویب این اصول که مایه افتخار و مباهات بشر قرن بیست و یکم است، هرچند مهم‌ترین اثر را در بازدارندگی داشته، اما به‌ندرت توسط طرف‌های درگیر رعایت شده است. برای مثال می‌توان به حمله ابرقدرت‌ها به افغانستان و عراق اشاره کرد که هزاران نفر از جمله کودکان بی‌گناه کشته یا مجروح شده‌اند و حتی آمار آن روز به روز رو به افزایش است و همچنین، حملات رژیم غاصب صهیونیستی با بمب‌های لیزری هدایت شونده و بمباران‌های پی در پی فلسطینیان که ایالات متحده امریکا و هم‌پیمانانش در اختیار این رژیم قرار می‌دهند. در این ارتباط می‌توان به

۴- لیس علی العیید جهاد ما استغنی عنهم ولا علی النساء جهاد ولا علی من لم یبلغ الحلم.

کشته شدن پنجاه نفر از مردم منطقه «قانا» اشاره کرد که اکثر کشته شدگان را کودکان و زنان تشکیل می‌دادند. در هر صورت، این اصول در عصر جاهلیت و توحش عرب که ادعای تمدن و جانبداری از حقوق بشردوستانه را دارد، از سوی پیشوایان دین مقدس اسلام مورد تأکید قرار گرفته و با بیانات گوناگون این مطلب ابراز شده است. در اسلام روایات متعددی وجود دارد که حمایت‌های خاصی از کودکان در جنگ شده است. از جمله حمایت‌های خاص می‌توان به ممنوعیت تعرض به کودکان در جنگ، ممنوعیت سربازگیری و مشارکت مستقیم کودکان در جنگ و بازگشت کودکان به خانواده اشاره کرد.

صاحب جواهر، فقیه برجسته شیعی، پس از نقل این حدیث پیامبر (ص) که فرمودند: پیران و کودکان را زنده نگه دارید، می‌افزاید مقصود «استبقاء» آنان است. در برخی از روایات آمده که پیامبر (ص) در شرایط مناقشه فرموده «واستحبوا شرخهم» یعنی جوانان آنان را باقی گذارید (طبرسی، ۱۴۱۵، ۲۰۶). به نظر لغت‌شناسان متون روایی «شرح» کسانی هستند که نزدیک به سن بلوغ بوده و عنفوان جوانی و قدرت آن‌ها فرا رسیده است. همچنین این واژه را به معنی «خفیف» یعنی آسیب پذیر هم به کار برده‌اند. واژه «استبقاء» در ادبیات عرب به معنی حفظ و نگهداری برای تداوم زندگی است؛ بنابراین، شکی نیست که در آموزه‌های اسلام نقص عضو، ربودن، تعرض جنسی و مانند آن با آموزه‌های اسلام و بلکه هر دین دیگر ناسازگار است (میرمحمدی، ۱۳۸۷، ۶۵). لازم به ذکر است که در متون فقهی تصریح شده است که حتی اگر دشمن از جرائم عفاف و تجاوز جنسی به‌عنوان یک روش جنگی علیه مسلمانان استفاده نماید، مسلمانان در پاسخ نمی‌توانند از این روش استفاده کنند. بنابراین عمل متقابل در فقه اسلامی در هر موردی جایز نیست. چون اسلام دین اخلاق و انسانیت است و این رفتارها و کنش‌ها با آموزه‌های اخلاقی اسلام سازگار نیست. البته در صورت دسترسی به مرتکبان این جنایات آن‌ها محاکمه و مجازات می‌شوند. این دسته از محرّمات از این رو پاسخ داده نمی‌شوند و عکس العملی را از سوی مسلمانان دریافت نمی‌کنند که اولاً در سرنوشت جنگ هیچ تأثیری نداشته و به پیروزی نیز کمک نمی‌کنند و ثانیاً از کینه توزی، انتقال و تشفی خاطر انسانی مرتکبان خبر می‌دهد. همچنین، در این خصوص در اسلام دلیل خاص و فتوایی بر ممنوعیت مثله کردن بدن دشمن است که مثله کردن بدن دشمن را منع نموده است، حتی اگر آنان با مسلمانان چنین عملی را انجام داده باشند (میرمحمدی، ۱۳۸۷، ۶۸).

سربازگیری و مشارکت مستقیم کودکان زیر سن بلوغ در جنگ قرن هاست که از سوی فقیهان مسلمان ممنوع شده است. علامه حلی می‌گویند: «کودکان به این دلیل که ناتوان از جنگیدن هستند در مخاصمات شرکت نمی‌کنند». سیره عملی پیامبر اسلام (ص) نیز خود گواه بر منع مشارکت کودکان در جنگ است. در

جنگ احد آن حضرت به کودک شانزده ساله‌ای که داوطلب نبرد شده بود اجازه شرکت و مبارزه ندادند. این موضوع نشان‌دهنده این است که اسلام شرکت کودکان زیر سن بلوغ (پانزده سال) را مجاز ندانسته و حمایت از کودکان را مدنظر داشته است. به هر حال اگر تحولات احتمالی و شرایط زمان، سن ناتوانی را بالاتر منظور نماید، این امر هیچ گونه مانعی براساس برداشت فقیهان جعفری در برابر دولت اسلامی نیست تا تعهدی جدید در حمایت بیشتر از کودکان در عرصه بین‌المللی را بپذیرد؛ زیرا چنین تعهدی همه کودکان جهان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان را در حمایت خود قرار می‌دهد. با این تعهد دولت مکلف می‌گردد با وضع قوانین، سن سربازگیری اجباری و داوطلبانه را در مخاصمات تعیین نماید. بنابراین عملکرد برخی گروه‌های افراطی و بنیادگرا که به غلط مدعی پیروی از اسلام هستند مانند داعش که در سربازگیری از کودکان استفاده می‌کردند، مغایر آموزه‌های اسلامی است (میرمحمدی، ۱۳۸۷، ۶۶).

هرچند مقررات موجود حقوق بین‌الملل بشردوستانه، سربازگیری زیر سن پانزده سال را ممنوع نموده و از سن پانزده تا هجده سالگی اولویت را به سن بالاتر می‌دهد، اما سن سربازگیری داوطلبانه نیز باید به طور روشن مشخص شود. نکته جالب توجه این است که حداقل سن برای شرکت در جنگ، در حقوق بشردوستانه بین‌المللی در حالی پانزده سال اعلام گردیده که دقیقاً همین محدوده سنی در اسلام، در بیش از هزارسال قبل تعیین شده بود که انتخاب محدوده سنی مشترک در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اسلامی و قدمت بیش از هزارساله آموزه‌های اسلام، نمی‌تواند دور از واقعیت باشد که تدوین‌کنندگان حقوق بشردوستانه معاصر، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، متأثر از این آموزه‌های آسمانی بوده‌اند (آبادی، ۱۳۸۹، ۸).

۳-۲- از منظر حقوق بشردوستانه

یکی از مهم‌ترین و خطرناک‌ترین سوءاستفاده‌هایی که از کودکان می‌شود، این است که با شرکت آن‌ها در جنگ، آن‌ها را به عنوان فرد نظامی تلقی می‌کنند، زیرا تعداد زیادی از کودکان به اجبار به کار گرفته می‌شوند. آن‌ها از مدارس و پرورشگاه‌های شان ربوده می‌شوند و به علت ترس و فقر، بر این باور که این تنها راه برای محافظت در مقابل خشونت است که اطراف شان وجود دارد و یا برای اطمینان از برخورداری از تغذیه، لباس و مراقبت‌های پزشکی به ارتش ملحق می‌شوند. «در درگیری‌های امروزی، کودکان نه فقط قربانیان جنگ هستند، بلکه تبدیل به خشونت و ابزارهای جنگی در طول جنگ می‌گردند، آن‌ها را یا به‌عنوان سرباز به خدمت می‌گیرند و یا آن‌ها را دزدیده و تبدیل به کودکان سرباز می‌کنند و آن‌ها را مجبور می‌کنند که به بزرگ‌ترها احساس دشمنی و تنفر داشته باشند. برای نمونه حدود سیصد هزار کودک زیر هجده سال در سی جنگ

به‌عنوان سرباز خبرچین، خبررسان و جاسوس شرکت کرده‌اند.^۶ البته این امر دست دولت را در استناد به «دلایل امنیتی برای بازداشت و محاکمه کودکان باز می‌گذارد و حتی حداقل تضمینات را از آن‌ها سلب می‌نماید».

در رابطه با اسنادی که سربازگیری کودکان را ممنوع کرده‌اند، باید گفت: هرچند حقوق عرفی پیش از تصویب پروتکل اول، استفاده از کودکان را در جنگ ممنوع می‌نمود، ولی تا سال ۱۹۷۷ و تصویب پروتکل اول، هیچ سند حقوقی وجود نداشت که سربازگیری کودکان را غیرقانونی بداند؛ حتی کنوانسیون چهارم ژنو مصوب ۱۹۴۹ در مورد شرکت کودکان در جنگ ساکت است و راجع به استخدام و سربازگیری کودکان بحثی را ارائه ننموده است. یکی از ابتکاراتی که در سال ۱۹۷۷ مورد بحث قرار گرفت، موضوع «فراخوانی و ثبت نام کودکان در ارتش» و شرکت مستقیم آنان در جنگ بود. این موضوع در بند دوم ماده ۷۷ پروتکل اول آمده است (مقدم کوهی، ۱۳۹۰). اشکال موجود در این ماده این است که به طور قطع و جزم دولت‌ها را از شرکت مستقیم کودکان زیر پانزده سال منع نکرده و به اقدامات و اهدامات دولت‌ها بسنده نموده است. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۷۷ در ماده ۴ خود به موضوع شرکت کودکان در جنگ توجه داشته است و بیان می‌کند که: «ج- کودکانی که به سن پانزده سال نرسیده‌اند نه مجاز هستند که به استخدام نیروها یا گروه‌های مسلح درآیند و نه مجازند که در منازعات شرکت کنند.» مشابه این مواد در بند سوم ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ با همان لفظ‌پردازی‌ها وجود دارد. البته، زمینه وجود عدم استفاده از کودکان در جنگ به‌عنوان سرباز را می‌توان در اصل نوزدهم اعلامیه حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ دید که به کارگیری کودکان را در کارهایی که به سلامت جسمی، روانی و اخلاقی آنان آسیب می‌رساند، منع می‌نماید و چون فراخوان و ثبت نام کودک در ارتش و شرکت آنان در جنگ برای سلامت جسمی و روانی کودک زیانبار است، بر این اساس، استفاده از کودک به‌عنوان سرباز ممنوع است؛ بنابراین، اگر این اعلامیه به طور ضمنی استفاده از کودکان را در جنگ غیرقانونی می‌داند، کنوانسیون مصوب ۱۹۸۹ فراخوانی، ثبت نام و شرکت مستقیم کودکان زیر پانزده سال در جنگ را ممنوع می‌کند (جاویدزاده و پورحسن زیوه، ۱۳۹۸).

کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، نظراتی را در این مورد و در راستای تفسیر ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد که: «اثرات جنگ بر کودکان باید در چارچوب همه مواد کنوانسیون حقوق کودک در نظر گرفته شود و دولت‌ها در قلمرو حاکمیت خود باید اقداماتی اتخاذ کنند که حقوق همه کودکان در زمان جنگ تأمین گردد و همه قوانین کنوانسیون حقوق کودک، حتی آن قوانین که مربوط به زمان جنگ نیست نیز باید رعایت شوند و دولت‌ها در زمان جنگ باید نفع و صلاح کودک را در نظر گیرند.

۶- گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در سومین اجلاس کمیته تدارکاتی درباره کودکان، ژوئن ۲۰۰۱، بند هفتم، بخش دوم.

فراخوانی و یا ثبت نام کودکان زیر هجده سال خواه داوطلبانه و خواه اجباری نقض قوانین بشردوستانه و جنایت جنگی محسوب می‌شود.^۶

شایسته یادآوری است که کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل‌های مصوب ۱۹۷۷، تعهد قطعی در غیرقانونی بودن استفاده از کودکان و استخدام آن‌ها در نیروهای مسلح را بیان نمی‌کنند و ارزش توصیه دارند و جای سوءاستفاده دولت‌ها و نقض حقوق کودکان را باز می‌گذارند، زیرا از دولت‌های عضو می‌خواهند که «اقدامات ممکن» را به عمل می‌آورند؛ به همین جهت موجد ابهام هستند و در بند دوم ماده ۷۷ پروتکل مصوب ۱۹۷۷، ممنوعیت مستقیم شرکت در درگیری‌های مسلحانه مطرح شده که مفهوم مخالف آن این است که استفاده غیرمستقیم از کودکان برای شرکت در جنگ امکان‌پذیر است و بر این اساس، طرف درگیر بر طبق منطوق این ماده می‌تواند از کودکان، در کارهایی مانند جاسوسی و خرابکاری استفاده نماید، اما باید توجه داشت که این گونه اقدامات خطر بیشتری برای کودکان دارد، زیرا از جمله مسائل امنیتی کشور متخاصم محسوب می‌شود. با تفسیری دیگر از این متون می‌توان قائل شد که شرکت کودکان در کارهای پشتیبانی، مانند آشپزی، باربری، پیغام‌رسانی و... که در پشت صحنه نبرد صورت می‌گیرد، بدون اشکال است که البته همگی آن‌ها برای سلامتی آن‌ها مضر است.

۴- حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه

در این بخش به بررسی حقوق کودکان در زمان مخاصمات مسلحانه در دو نظام فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌پردازیم.

۴-۱- از منظر فقه اسلامی

مسئله رعایت حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه یکی از موضوعات و مشکلات اساسی در جوامع امروزی اسلامی محسوب می‌شود. چراکه یک‌سوم کشورهای اسلامی در چند سال اخیر درگیر جنگ‌های مذهبی و سیاسی بوده‌اند. کودکان که هیچ گناهی در مورد انگیزه‌ها و اهداف مشروع جنگ ندارند، معمولاً بیشترین صدمات را از کار بزرگ‌ترها می‌بینند. جنگ نه تنها حق حیات که یکی از اساسی‌ترین حقوق کودک است را نقض می‌کند، بلکه حق آموزش، تفریح، امنیت و... را در معرض تهدید قرار می‌دهد و مخالف و ناقض رعایت منافع عالیه کودک است. بر این اساس است که کمیته حقوق بشر در نظریه عمومی خود وظیفه اصلی و اولیه دولت‌ها را جلوگیری از جنگ می‌داند، چراکه هر سال جنگ‌ها و خشونت‌ها جان هزاران انسان بی‌گناه را می‌گیرد. در جمادی‌الاول سال ۱۴۲۹ قمری^۷، میثاق حقوق کودک در اسلام توسط اجلاس وزرای خارجه

۷- تیرماه ۱۳۸۶ شمسی، ژوئن ۲۰۰۵ میلادی

کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در صنعا، پایتخت یمن، تصویب و برای الحاق کشورهای عضو سازمان گشوده شد. تدوین و تصویب این میثاق حاکی از لزوم توجه به اهمیت وضعیت کودکان در کشورهای اسلامی است. حدود ششصد میلیون (یعنی بیش از یک چهارم دو میلیارد) جمعیت کودک جهان در کشورهای اسلامی زندگی می کنند. این تعداد بیش از چهل درصد از جمعیت این کشورهاست (مصفا و داور، ۱۳۸۶، ۴۴). گذشته از وضعیت عمومی کودکان در بسیاری از کشورهای اسلامی که مشکلات بهداشتی، آموزشی و آثار ناشی از فقر و عدم برابری اجتماعی را تحمل می کنند، تعارضات سیاسی، فرقه‌ای و مذهبی در یک سوم از کشورهای اسلامی در جریان است و بیشترین آثار را بر روی زندگی زنان و کودکان در ابعاد گوناگون به شکل کشته و مجروح شدن، پناهندگی، مثله شدن، آزارهای جنسی و غیره داشته است. اشغال که نمونه‌های بارز و عینی آن در فلسطین، عراق و افغانستان وجود دارد، در سال‌های متمادی موجب کشته شدن ده‌ها هزار کودک بی گناه شده است. همچنین، کودکان جنوب سودان و لبنان، بخش عظیمی از صدمات جنگ را متحمل شده‌اند.

در مقدمه میثاق حقوق کودک در اسلام به رنج کودکان پناهنده و کودکانی که تحت سیطره اشغال، شرارت یا آوارگی ناشی از منازعات مسلحانه و قحطی به سر می‌برند و بدین سان موجبات گسترش خشونت در میان کودکان و افزایش تعداد کودکان معلول جسمی، روحی و اجتماعی را فراهم می‌آورد، اشاره گردیده است (رحمانی و پیری امیرحاجیلو، ۱۳۹۸). در قسمت اجرایی در ماده (۷) میثاق، با عنوان حمایت از کودکان، در بند «پنجم» به حمایت از کودکان به واسطه درگیر نکردن آن‌ها در منازعات مسلحانه و جنگ‌ها پرداخته شده و در ماده «۱۹» با عنوان عدالت در بخش «ج» بند «سوم» اشاره می‌کند که در صورت نیاز کمک‌های حقوقی و بشردوستانه شامل دسترسی به یک وکیل و در صورت لزوم یک مترجم برای کودک فراهم شود. همچنین ماده «۲۱» به کودکان پناهنده اشاره می‌کند که دول عضو تا حد امکان از بهره‌مندی کودکان پناهنده یا آن‌هایی که به طور قانونی مشابه چنین وضعیتی را اکتساب نموده‌اند، حمایت می‌کنند.

حال با توجه به آن که حتی در زمان تدوین کنوانسیون حقوق کودک عقیده بر آن بود که مقررات کنوانسیون در رابطه با حمایت از کودکان در جنگ نباید کمتر از مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی مصوب ۱۹۷۷ باشد، دولت‌های اسلامی نیز همگی به جز سومالی، کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته‌اند (پورخلیلی، ۱۳۸۸). همان‌طور که ذکر شد، در حال حاضر یک سوم از کشورهای درگیر تعارضات به اشکال مختلف سیاسی و فرقه‌ای قومی وجود دارند که آثار ناشی از این تعارضات را می‌توان در این کشورها به وضوح ملاحظه کرد. این وضعیت خاص زمان حاضر نیست. نگاهی اجمالی به تاریخ جنگ فرانسه علیه الجزایر و مبارزات آزادی‌بخش در کشورهای اسلامی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی شاهد این مدعا است. وضعیت غمبار کودکان فلسطینی و در مجموع خاورمیانه،

خسونت نسبت به زنان و کودکان، آثار سوء تحریم‌های اعمال‌شده از طرف شورای امنیت در دهه ۱۹۹۰ میلادی که در میان همه کشورهای مورد تحریم مانند عراق، لیبی، یوگسلاوی، سودان و سومالی موجب مرگ و میر کودکان به‌ویژه کودکان زیر پنج سال به چند هزار نفر در ماه شده، حملات ناتو به «کوزوو» و پناهندگی هزاران کودک به همراه خانواده‌های خود در این راستا قابل تأمل‌اند. همچنین، حمله ایالات متحده امریکا و متحدانش به افغانستان و عراق و درگیری‌های داخلی در سوریه که عوامل خارجی در آن نقش عمده را ایفاء می‌نمایند، جان هزاران کودک را گرفته یا این که آن‌ها را با مشکلات خاصی روبه‌رو کرده است.

۴-۲- از منظر حقوق بشردوستانه

نقض حقوق غیرنظامیان (کودکان) و حمله به آنان، از چندین دهه پیش یک جنایت بین‌المللی به شمار می‌آید. هدف از حقوق بشردوستانه علاوه بر تأمین احترام به شأن و کرامت انسانی تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگی است، امروزه بر ممنوعیت قراردادی و عرفی این حملات و قابل تعقیب بودن عاملان آن براساس اسناد بین‌المللی تأکید شده است. شورای امنیت محاکم کیفری بین‌المللی یا «مختلط» را تشکیل داده است و به‌نوعی نقش خود را برای مداخله در موارد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح کرده است. تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، همچنین دادگاه ویژه سیرالئون جوابی بود برای آرامش خاطر افکار عمومی بین‌المللی که منتظر بودند تا ناقضان حقوق بشر به کیفر اعمال خود برسند. تلاش مجمع عمومی برای تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، اندیشه و آمالی بود که از چند دهه پیش در سطح بین‌الملل ظهور کرد و به‌نوعی ضمانت اجرای مناسبی برای حمایت از کودکان قربانی جنگ به شمار می‌آید. چنین دادگاهی، دولت‌ها را مجبور می‌سازد که احترام به حقوق کودکان و سایر قواعد حقوق بین‌المللی را به نیروهای نظامی خود آموزش داده و در چارچوب قواعد حقوق بین‌المللی عمل کنند. هرچند تصویب یک سند بین‌المللی حتی به اهمیت اساسنامه مصوب رم مصوب ۱۹۹۸ به‌خودی‌خود نمی‌تواند جنبه کاملاً بازدارنده داشته باشد ولی تصویب و اجرای آن حکایت از عزم و تلاش بین‌المللی به مبارزه و سرکوب نقض‌کنندگان حقوق بین‌الملل بشردوستانه و نقض‌کنندگان حقوق بشر دارد و این خود دستاوردی بسیار مهم به حساب می‌آید. جدای از این اقدام هماهنگ بین‌المللی، ابتکارات فردی بعضی از دولت‌ها را هم باید اشاره کرد که از طریق تصویب قانون و اقدامات قضایی، جمعی از جنایتکاران را که اغلب جنایات آن‌ها متوجه افراد غیرنظامی از جمله کودکان بوده، تحت پیگرد و محاکمه قرار داده‌اند و در این چارچوب، صلاحیت‌های خود را اعمال نموده‌اند.

با توجه به عملکرد دولت‌ها در پی مجازات و محاکمه ناقضان حقوق بشردوستانه، مفاد کنوانسیون‌های

چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ در قلمرو تعقیب و مجازات نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه ویژگی عرفی یافته است؛ بنابراین تعهد به مجازات نقض‌های چهار کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ علاوه بر مبنای معاهداتی دارای مبنای عرفی نیز هست، از طرفی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای عملیات نظامی و شبه‌نظامی علیه نیکاراگوئه در ۱۹۸۶ میلادی و رأی دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در ۲۰۰۴ میلادی، مقررات حقوق بشردوستانه در حمایت از افراد غیرنظامی را تعهدات عام الشمول (ارگامنس) دانست؛ بنابراین، این‌گونه می‌توان گفت که تعهد به تضمین مراعات حقوق بشردوستانه و به‌ویژه حقوق کودکان از جمله تعهدات عام الشمول محسوب می‌شود که تمامی دولت‌ها از اجرای آن منتفع خواهند شد و در عین حال دولت‌ها می‌توانند طبق منشور سازمان ملل، خواستار اجرای آن شوند (ماده ۸۹ پروتکل اول الحاقی). اکثر مقررات پروتکل شماره دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ جنبه عرفی پیدا کرده است. همان‌طور که قبلاً بیان شد، ماده ۳ مشترک در مورد رعایت حقوق بشردوستانه در مخاصمات غیربین‌المللی از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه است. یکی از سازمان‌هایی که برای تضمین رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی نقش دارد، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است. این سازمان بر طرز رفتار دولت‌ها و گروه‌هایی که طرف یک درگیری مسلحانه هستند نظارت دارد و وظایف هریک را به آن‌ها گوشزد می‌کند. پیرو این قضیه، موازین حمایتی از کودک را که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی مصوب ۱۹۷۷ ذکر شده‌اند را مورد تأکید قرار داده است.

از دیگر سازمان‌ها می‌توان به صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) اشاره کرد، این سازمان برای حمایت از حقوق کودکان برای بقا و محافظت آنان اقدام می‌کند و طرفدار اجرای کامل کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ است، اولویت‌های کنونی یونیسف بقا توسعه کودک، آموزش کیفی همه کودکان و تأمین محیطی حمایتی برای کودکانی است که تحت تأثیر خشونت، بدرفتاری، بهره‌کشی و جنگ قرار می‌گیرند. یونیسف نیز به ترخیص کودکان سرباز و به پیوند دوباره والدین و فرزندان که بر اثر جنگ جدا شده‌اند کمک می‌کند. کودکان قربانی مصادیقی چون حمله به مدارس، بیمارستان‌ها، بمباران هوایی، بازداشت غیرقانونی، خشونت جنسی از جمله تجاوز به عنف، سوءتغذیه، بی‌خانمانی و بیماری هستند. شایسته است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و یونیسف در این مسیر تلاش کرده و شرایطی را فراهم سازند که کودکان در مدارس از حملات در امان بوده و از تحصیلات و آموزش دور نمانند همچنین بیمارستان‌ها نیز باید از حملات در امان بوده و اقداماتی را باید در نظر بگیرند که کودکان، به‌خصوص کودکان دختر در کنار خانواده خود باشند تا از تجاوز به این کودکان حتی‌المقدور جلوگیری شود و دولت‌های متخاصم نیز از کودکان در مخاصمات

مسلحانه جلوگیری کنند. سلامت و تغذیه کودک نیز از وظایفی است که یونیسف باید پیگیری کند و تلاش شود تا کودکان در مخاصمات مسلحانه از بهداشت و تغذیه لازم برخوردار باشند.

به نظر می‌رسد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و یونیسف بهتر از خود دولت‌های درگیر بتوانند بر طرز رفتار دولت‌ها و گروه‌هایی که طرف یک درگیری مسلحانه هستند نظارت کنند و حمایت لازم را از کودکان به عمل آورند و هم خود این سازمان‌ها امکانات و اقداماتی را برای کودکان قربانی جنگ فراهم سازند از جمله بیمارستان‌ها، مدارس، برقراری مکان‌های امن و هم از دولت‌های درگیر بخواهند که امکانات و اقدامات لازم را برای حمایت از کودکان فراهم سازند. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ و همچنین کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ جهان‌شمول‌ترین اسناد بین‌المللی مربوطه هستند. در مورد هنجارهای حمایتی از کودکان این‌گونه به نظر می‌رسد که آن‌طور که در اسناد مختلف چون کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی مصوب ۱۹۷۷ تأکید شده است، دولت‌ها و نیروهای نظامی این قواعد را آن‌طور که باید اجرا نمی‌کنند. کودکان در طول مخاصمات از احترام و حمایت ویژه و لازم برخوردار نیستند و از کودکان زیر پانزده سال در مخاصمات استفاده می‌شود، هنوز هم در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی از کودکان در نیروهای مسلح دولتی و نیروهای مسلح شورشی استفاده می‌شود. نسل‌کشی‌هایی که در رواندا و یوگسلاوی سابق روی داد، تجاوزهای جنسی و قطعه‌قطعه کردن کودکان در درگیری‌های سیرالئون مؤید این قضیه است. کمک‌های بشردوستانه و امدادسانی به کودکان نیز طبق مفاد کنوانسیون‌ها صورت نمی‌گیرد، وحدت خانوادگی و اسکان کودکان در کنار خانواده‌های خود یا آشنایان و بازگشت کودکان آواره به آسانی و سهولت صورت نمی‌گیرد. کودکان طی این مخاصمات علاوه بر آسیب‌پذیری جسمی، دچار مشکلات و ناراحتی‌های روحی و روانی ناشی از جنگ نیز می‌شوند. از دست‌دادن پدر، مادر، خانواده، ترک تحصیل، تغذیه نامناسب، نداشتن بهداشت و فقر، کودکان را در این عرصه آسیب‌پذیر و ناتوان می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت علیرغم وجود قواعد و هنجارهای بی‌شمار راجع به رعایت حقوق کودکان در جنگ و وجود سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه مثل یونیسف، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سایر سازمان‌ها، واقعیت چیز دیگری است و بین قواعد و هنجارهای اعلام‌شده و تصویب‌شده در کنوانسیون‌ها و زندگی واقعی کودکان قربانی جنگ تفاوت فاحشی وجود دارد. بر پایه اسناد جدید و به‌خصوص قطعنامه‌های شورای امنیت و رویه قضایی بین‌المللی، مبانی حقوقی حمایت از کودکان بیش‌ازپیش تحکیم و تقویت شده است. هرچند این اقدامات نتوانسته‌اند مانع از تکرار جنایت شوند، مقررات حقوق بشردوستانه به‌طور عام و مقررات حمایت از کودکان به‌طور خاص هرچند در زمان مخاصمات مسلحانه فرصت

اجرا می‌یابند و در واقع حقوق مربوط به دوره مخاصمه است ولی برای اجرای مطلوب آن باید در زمان صلح و آرامش با آموزش و بیان این مقررات برای آشنایی همگانی و ارتقای معلومات نیروهای نظامی تلاش کرد.

نتیجه

از آنجاکه بیشترین صدمات ناشی از جنگ متوجه زنان و کودکان می‌شود؛ به طوری که بی‌خانمانی، بی‌سرپرستی، محرومیت از آموزش، سوءاستفاده جنسی، سوءتغذیه، سربازگیری قحطی و بیماری، مین‌های زمینی و... خطراتی هستند که هم‌زمان با جنگ، کودکان را به صورت بالقوه یا بالفعل تهدید می‌کنند، به همین جهت، نهادهای انسان دوستانه، دولت‌ها و توده مردم را به فکر حمایت‌هایی از کودکان و دوری از صحنه نبرد و در امان بودن از آثار و نتایج جنگ‌ها واداشته است و در واقع، تبعیض مثبت بر آن‌ها وارد شده است. تمامی کودکان درگیر جنگ، از حمایت‌های مقرر در حقوق بین‌الملل بشر و حمایت کلی از افراد غیرنظامی در حقوق بشردوستانه برخوردار هستند. منظور از حقوق بشردوستانه، قواعد موجد حق و تکلیفی است که در طول مناقشه و در هر مکانی که دایره تخاصم وجود داشته باشد، مجری خواهد بود؛ بنابراین، فارغ از اینکه جنگ داخلی باشد یا وصف بین‌المللی داشته باشد، کودکان از حمایت مقرر در اسناد بهره‌مند هستند و هر جا که حقوق بیشتری برای آن‌ها در نظر گرفته شده باشد، همان‌ها ملاک کار و معتبر خواهند بود. در هر زمانی و در هر مکانی که به نوعی وضعیت بحرانی تخاصم به وجود آید، بلافاصله حقوق حمایتی مطرح شده در این اسناد جلوه‌گر و جزء اولین قواعد انسان دوستانه مطرح می‌شوند. حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه مورد توجه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹، به‌ویژه عهدنامه چهارم، پروتکل‌های الحاقی، سازمان ملل متحد، از جمله مجمع عمومی، شورای امنیت، نهادهای حقوق بشری از جمله گروه و شورای حقوق بشر، کمیته حقوق بشر و اسناد حقوق بشری مانند معاهده حقوق کودک ۱۹۸۹ در خصوص شرکت کودکان در جنگ و... قرار گرفته است.

حمایت‌های مشابه در فقه اسلامی نیز از کودکان وجود دارد به نحوی که می‌توان ادعا کرد که قرابت بسیاری بین هنجارهای مدرن حقوق بشردوستانه در زمینه حمایت از کودکان با آموزه‌های اسلامی در این ارتباط وجود دارد. انسان و تعالی انسان در اسلام از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و جنگ در اسلام نه تنها هدف اصلی نیست، بلکه در قالب یکی از انواع جهاد، به صوت اساسی در گسترش مرزهای اسلام از اهمیت برخوردار است. دوم، به نظر می‌رسد با توجه به ضرورت جنگ در اسلام و مقتضیات آن، اسلام چه در قرآن به‌عنوان سند مکتوب فقه اسلامی و چه در سیره پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع)، همواره حقوق غیرنظامیان در جنگ را به رسمیت شناخته است و آیه‌های متعدد در قرآن کریم و رویه‌ها و گفتارهای پیامبر (ص) و

معصومین (ع) مؤیدی بر این ادعاست. از طرف دیگر، فقه اسلامی نیز در دوره‌های بعد از معصومین، چه فقه سنی و چه فقه شیعه، همواره سعی در نهادمندسازی حقوق غیرنظامیان در جنگ به خصوص کودکان داشته‌اند تا جایی که همواره بر عدم تعرض به کودکان، تأمین معیشت آنان و عدم سربازگیری از آن‌ها تأکید کرده‌اند. در فقه اسلامی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی کودکان در جنگ‌ها از مصونیت و حمایت برخوردارند. حمایت از کودکان در فقه در قالب قاعده فقهی «لا یقاتل آلا المقاتل» قابل پذیرش است. براساس نظریه مشهور فقهای امامیه، حتی مشارکت در جنگ مجوز قتل کودکان نمی‌باشد؛ مگر این که ضرورت و اضطرار ایجاب نماید. حمایت از کودکان منوط به رفتار و اقدام متقابل دشمن نیست. آموزه‌های بشردوستانه اسلامی مبتنی بر اصل کرامت، تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و اصل حمایت از آسیب پذیران بوده؛ لذا به صورت یک‌جانبه از اشخاصی که اهلیت کارزار ندارند، حمایت می‌گردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- قرآن کریم

فارسی

- آبادی، احمد، ۱۳۸۹، **حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه**، چاپ اول، تهران، انتشارات دبیرخانه اسلام و حقوق بشردوستانه.

- برزنونی، محمدعلی، ۱۳۸۲، آثار حقوقی جنگ بر سرزمین در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر، **فصلنامه حقوقی بین‌المللی**، شماره ۲۸.

- پورخلیلی، محمدرضا، ۱۳۸۸، بررسی پیوستن ایران به پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک درباره به کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه مفید.

- جاویدزاده، حمیدرضا و پورحسن زیوه، سحر، ۱۳۹۸، **سربازگیری کودکان: جنایتی جنگی**، چاپ اول، تهران، انتشارات شهردانش.

- رحمانی، مهدی و پیری امیرحاجیلو، فاطمه، ۱۳۹۸، حمایت از حق حیات کودک در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی با نگاه به کودکان یمن، **فصلنامه حقوق کودک**، شماره ۳.

- سنجایی، سمانه و رحیمی، علیرضا، ۱۴۰۰، حقوق کودک از منظر اسلام، **فصلنامه حقوق ملل**، شماره ۳۳.

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۰، **اسلام و حقوق بین الملل**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۰، **حقوق جنگ**، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- طباطبائی، سیدمصطفی، ۱۳۹۸، ممنوعیت ساخت و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی در حقوق بین‌الملل و اسلام، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه مفید.
- علیخانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۸، حقوق بشردوستانه در اسلام، **فصلنامه حقوق بشر**، شماره ۱.
- فقیه حبیبی، علی، ۱۳۹۵، جایگاه حقوق بشردوستانه در اسلام و اسناد بین‌المللی، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، شماره ۱۹.
- کاظم زاده، بهار، ۱۳۹۱، حمایت از زنان و دختران در مخاصمات مسلحانه با تأکید بر آفریقا، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه تهران.
- مدنی، بانی، ۱۳۹۳، ضرورت تقویت حمایت از بازداشت شدگان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی در حقوق بین‌الملل، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه تهران.
- مصفا، نسرین و داور، زهرا، ۱۳۸۶، **میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی**، چاپ اول، تهران، انتشارات شهردانش.
- مقدم کوهی، محمدعلی، ۱۳۹۰، حمایت از کودکان و زنان در حقوق بشردوستانه اسلامی و اسناد بین‌المللی، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- موسوی، سیدمحمد، ۱۳۹۳، حمایت از اطفال بزه دیده در حقوق ایران، افغانستان و اسناد بین‌المللی، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه.
- میرمحمدی، سیدمصطفی، ۱۳۸۷، حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه (رهیافت‌های حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام)، **فصلنامه حقوق بشر**، شماره ۱.
- نیری، بیژن و متولی، علیرضا، ۱۳۹۰، نقض حقوق بشردوستانه در جنگ سی و سه روزه بر مبنای مقررات بین‌الملل، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، شماره ۱۵.

عربی

- الطبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ق، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- علامه حلی (حسین بن یوسف بن مطهر اسدی)، ۱۴۱۹ق، **تذکره الفقهاء**، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت.

Legal Civilization

No.14- Spring 2023

ISSN : 2873-1841
ISSN : 2873-1922

The Actions of International Organizations and Protection of Children's Rights in the Conditions Caused by the Epidemic of Covid-19

Mostafa Fazaeli, Sakineh Rezaie

Factors of Violence in the Family from the Perspective of the Qur'an

Ali Mohammadi Jorkoyeh

Third-Party Funding in International Arbitration (TPF)

Mohammad Mahdi Asadi

A Comparative Study of the Approach of Islamic Jurisprudence and Humanitarian Law in Supporting the Rights of Children in War

Meisam Norouzi, Mehdi Eskandari Khoshguo, Sanaz Abolghasemi

Alternative Challenges of Criminal Prosecution in Iran and United States of America

Amin Amirian Farsani

Principles and Rules Governing Stock Exchange Transactions

Sayyed Ali Ghaemmanesh

Examining the Difference between Muslim and Infidel Rights with the Issue of Human Dignity

Shaghayegh Amerian, Mohammadreza Keikha

A Deliberation in Iran's Criminal and Legislative Policy towards the Disgrace of the Defendants; with a Look at Jurisprudence and International Documents

Ali Paidarfard, Javad Naderi ooj Boghzi, Ahmadreza Emtehani

A look at the Ownership of Immaterial and Non-Intellectual Property in Iranian Law

Maryam Taheri Sarteshnizi

Re-exploring the Jurisprudential Foundations of Unilateral Contract and the Contract for Abra' in Jurisprudence of Islamic Religions

Morteza Rahimi, Ali Mahmoodi Kakooni

Iran's Legislative Criminal Policy Regarding the Violation of Citizen's Rights by the Cyber Police

Mohammad Khorshidi Athar

Criticism and Evaluation of Criminal Policy (Preventive) against Administrative Corruption in Iran's Criminal System

Rostam Ali Akbari, Saeid Ahmadi, Eraj Morvati, Behnam Karimi

Differential Criminal Policy of the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran and the United States of America in Crimes Against Public Security and Peace

Yasser Shakeri